

روش‌شناسی در جغرافیای سیاسی و
ژئوپلیتیک
(روش‌های فرائیباتی)

دکتر رسول افصلی
عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

در گلستان چه بوی علفی می آمد
من در این آبادی پی چیزی می گشتم:
پی خوابی شاید پی نوری، ریگی، بجنندی
پی باغی که در آن دستاگل به بند

شاید هم
پی نیلوفر زیبای خود می گشتم



فهرست مطالب

بخش اول: شناخت‌شناسی در جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک..... ۱

مقدمه.....	۳
۱- فلسفه علم.....	۳
۲- هستی‌شناسی.....	۶
۱-۲- هستی‌شناسی مکان و فضا.....	۶
۳- شناخت‌شناسی.....	۹
۱-۳- دیدگاه معیار درباره معرفت علمی.....	۱۱
۲-۳- مشاهده در علم.....	۱۴
۳-۳- شناخت‌شناسی مکان و فضا.....	۱۵
نتیجه‌گیری.....	۲۰

بخش دوم: روش‌های فرآینباتی در جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک..... ۲۳

مقدمه.....	۲۵
------------	----

فصل اول: روش پدیدارشناسی..... ۲۹

مقدمه.....	۲۹
۱- پدیدارشناسی چیست؟.....	۳۰
۲- بنیادهای فلسفی روش پدیدارشناسی.....	۳۱
۱-۲- پدیدارشناسی ادموند هوسرل.....	۳۲
۲-۲- پدیدارشناسی هایدگر.....	۳۷
۳- کاربرد روش پدیدارشناسی در مطالعه مکان و فضای جغرافیایی.....	۴۴
۱-۳- کاستی‌های روش پوزیتیویستی در مطالعه مکان.....	۴۵
۲-۳- رویکردها و مراحل کاربرد روش پدیدارشناسی در مطالعه مکان و فضا.....	۴۷
۳-۳- گردآوری داده‌ها در روش پدیدارشناسی.....	۵۱
۴-۳- مورد پژوهشی.....	۵۶
نتیجه‌گیری.....	۶۰

فصل دوم: روش هرمنوتیک..... ۶۱

مقدمه.....	۶۱
------------	----

ح □ روش‌شناسی در جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک

۶۱	۱- هرمنوتیک چیست؟
۶۲	۲- بنیادهای فلسفی هرمنوتیک
۶۳	۱-۲ هرمنوتیک عام «شلایر ماخر»
۶۴	۲-۲ هرمنوتیک لغت‌شناسانه «بوئک»
۶۵	۲-۳ هرمنوتیک روش‌شناسانه «دیلتای»
۶۶	۲-۴ هرمنوتیک هستی‌شناسانه «هایدگر»
۶۹	۲-۵ هرمنوتیک فلسفی «گادامر»
۷۷	۳- کاربرد روش هرمنوتیک در جغرافیا
۸۱	۱-۳ مورد پژوهشی ۱: مطالعه هرمنوتیکی نقشه: هرمنوتیک سطح ۲
۹۶	نتیجه‌گیری

۹۹ فصل سوم: روش‌های ساختارگرا و پساساختارگرا

۹۹	مقدمه
۱۰۰	۱- ساختارگرایی چیست؟
۱۰۱	۲- بنیادهای فلسفی ساختارگرایی
۱۰۱	۱-۲ گاستون باشلار
۱۰۳	۲-۲ ژرژ کانگیلیم
۱۰۴	۲-۳ مارسل موس
۱۰۸	۲-۴ ژاک لاکان
۱۱۰	۳- ساختارگرایی در جامعه‌شناسی
۱۱۰	۱-۳ ساختارگرایی لویی آلتوسر
۱۱۵	۲-۳ ساختارگرایی نیکوس پولاتزاس
۱۲۱	۴- کاربرد روش ساختارگرایی در جغرافیای سیاسی
۱۲۱	۱-۴ قلمروسازی از دیدگاه ساختارگرایی
۱۲۵	۵- پساساختارگرایی چیست؟
۱۲۸	۶- بنیادهای فلسفی پساساختارگرایی
۱۲۸	۱-۶ ژان فرانسوا لیوتار
۱۳۰	۲-۶ ژاک دریدا
۱۳۲	۷- کاربرد در جغرافیای سیاسی
۱۳۲	۱-۷ فرارویتهای دانش ژئوپلیتیک و شالوده‌شکنی آنها
۱۶۰	نتیجه‌گیری

۱۶۳ فصل چهارم: روش‌های گفتمانی و زبانی

۱۶۳	مقدمه
۱۶۳	۱- روش زبانی چیست؟

فهرست □ خ

۱۶۵.....	۲- بنیادهای فلسفی روش زبانی.....
۱۶۵.....	۲-۱- فردینان دو سوسور.....
۱۷۰.....	۲-۲- لودویگ ویتگنشتاین.....
۱۷۳.....	۳- زبان در جامعه‌شناسی.....
۱۷۳.....	۳-۱- روث وداک.....
۱۷۵.....	۳-۲- تو ون دایک: رویکرد اجتماعی-شناختی.....
۱۷۷.....	۳-۳- نورمن فرکلاف: گفتمان، کردار اجتماعی زبان.....
۱۸۳.....	۴- کاربرد روش زبانی در جغرافیای سیاسی(تحلیل زبانی گفتمان‌های ساخت سیاسی فضا در ایران).....
۱۸۴.....	۴-۱- ساخت قومی - طایفه‌ای (از مشروطه تا ظهور رضاشاه).....
۱۸۸.....	۴-۲- ساخت ملی (۱۳۰۴-۱۳۲۰).....
۱۹۰.....	۴-۳- ساخت مدرنیسم (۱۳۲۰-۱۳۵۷).....
۱۹۳.....	۴-۴- ساخت ایدئولوژیک اسلامی (۱۳۵۷-۱۳۶۸).....
۱۹۴.....	۴-۵- ساخت رفاه و توسعه اقتصادی (۱۳۶۸-۱۳۷۶).....
۱۹۷.....	۴-۶- ساخت توسعه سیاسی (۱۳۷۴-۱۳۸۶).....
۱۹۸.....	۴-۷- ساخت عدالت محوری (۱۳۸۴-۱۳۹۲).....
۱۹۹.....	۵- روش گفتمانی چیست؟.....
۲۰۲.....	۶- بنیادهای فلسفی و جامعه‌شناختی روش گفتمانی.....
۲۰۳.....	۶-۱- میشل فوکو.....
۲۱۹.....	۶-۲- لاکلا و موف.....
۲۳۶.....	۷- تفاوت روش‌های تحلیل گفتمان و تحلیل انتقادی گفتمان.....
۲۳۶.....	۷-۱- روش تحلیل گفتمان.....
۲۳۷.....	۷-۲- روش تحلیل انتقادی گفتمان.....
۲۳۹.....	۸- کاربرد روش تحلیل گفتمان در جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک.....
۲۳۹.....	۸-۱- قلمروسازی گفتمانی در منطقه خاورمیانه (رویکردی نو به فرایند شکل‌گیری کشورهای منطقه).....
۲۵۸.....	نتیجه‌گیری.....
۲۶۵.....	منابع.....
۲۷۵.....	واژه‌نامه.....
۲۷۹.....	نمایه.....

فهرست جداول، نقشه‌ها و اشکال

جدول ۱: جدول تناظر سطوح پدیده‌های علمی.....	۵
نقشه ۱: محور جغرافیایی تاریخ (مکیندر).....	۸۵
نقشه ۲: نقشه اروپا از ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۹.....	۸۸
نقشه ۳: نقشه با سیستم تصویر قطبی.....	۹۳
شکل ۱: سه بعد کلیدی قلمروسازی گفتمانی.....	۲۴۱
شکل ۲: فرایند قلمروسازی گفتمانی در خاورمیانه.....	۲۴۶

پیشگفتار

هدف از تألیف این کتاب طرح ساده و قابل فهم روش‌های نوین در جغرافیای سیاسی است. هنگامی که به دانشجویان دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری درس نظریه‌ها می‌دادم، متوجه شدم که آنها فهم روشنی از روش‌های فرا اثبات‌گرایی ندارند؛ کتاب ساده و قابل فهمی نیز برای این منظور در اختیار نیست. مطالعه کتب انگلیسی برای افراد مبتدی بسیار مشکل‌اند و به دلیل مشکل فهم این زبان، نمی‌توان آنها را در دانشگاه تدریس کرد. این کتاب برای کسانی که خواهان غور جدی در حوزه روش‌شناسی باشند، به صورت منسجم و جامع تنظیم شده است و امیدوارم نقطه عزیمت سهل‌الوصول و مفیدی در اختیار نهد تا فهم منابع خارجی را آسان‌تر سازد.

من حوزه روش‌شناسی را در دانشگاه تهران در فضایی آغاز کردم که تحت‌الشعاع نظرات پروفیسور ناصر هادیان قرار داشت. دین من به او و درس‌ها و کلاس‌هایش باید از محتوای این کتاب مشهود باشد. همچنین بخش مهمی از محتوای کتاب وامدار رهنمودهای پروفیسور آنتوین اسوارد در دانشگاه لاوال کانادا و شاگردی کلاس‌های درس دکتر حسین بشیریه و دکتر محمد رضوی در دانشگاه تهران است. یک خصوصیت قابل ذکر مکتب فکری ایشان تأکیدی بود که بر دقت نظر و بیان ساده و بی‌آرایش موضوعات داشتند. مطمئنم اگر آنها، نسخه‌ای از این کتاب را مطالعه کنند، به سیاق قبل آن را به من بازخواهند گرداند تا برخی از مطالب آن را بازنویسی کنم؛ احساس خوشایندی که با غرور آن را خواهم پذیرفت و منتظر این راهنمایی خواهم ماند.

علاقه من به روش‌های فرا اثبات‌گرایی به قبل از ورودم به دانشکده جغرافیا برمی‌گردد، به طوری که رساله دکتری خود را با محوریت روش جامعه‌شناسی تاریخی نگاشتم و به هنگام دفاع، از سوی همه داوران حمله همه‌جانبه‌ای علیه پوزیتیویسم تلقی شد. خلأ توجه به این روش‌ها در دانشکده جغرافیا تلاشم را در این زمینه دوچندان کرد و در طی یک دهه گذشته سعی داشته‌ام تا تنها همین حوزه را به شکل متکامل‌تری آموزش دهم. جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک عرصه مناسبی برای کاربرد روش‌های فرا اثبات‌گرایی است اما عدم طرح آنها در طی این سال‌ها، دانشجویان آن را در این حوزه مبتدی و گاهی نسبت به آنها کاملاً ناآشنا ساخته است.

طرح روش‌های فرا اثبات‌گرایی به معنای انکار روش‌های پوزیتیویسم نیست، چرا که در این صورت باز یکتا انگاری روشی بر عرصه علم حاکم می‌شود و بسیاری از واقعیت‌های علمی در فرایند انحراف روش‌شناختی کشف نخواهند شد. روش‌های فرا اثبات‌گرا مدعی شناخت بهتر واقعیت‌های علمی در حوزه‌هایی هستند که پوزیتیویسم به دلیل محدودیت‌هایش قادر به شناخت آنها نیست.

ر □ روش‌شناسی در جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک

هدف این کتاب معرفی روش‌های فرا اثبات‌گرایی و چگونگی کاربرد آنها در جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک است. با اینکه سال‌های زیادی از آغازین روزهای شروع مطالعاتم در این حوزه می‌گذرد، اما مطالب کتاب را خالی از نقص و ضعف نمی‌بینم. نقد و به چالش کشیدن مطالب آن، هم به من و هم به استفاده‌کنندگان آن در چاپ‌های بعدی کمک خواهد کرد. در پایان لازم می‌دانم از زحمات دو نفر از دانشجویانم که در ویراستاری و بازخوانی دوباره متن مرا یاری رساندند تشکر نمایم. آقای حامد رحمانی دانشجوی دوره کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی که با دقت و حوصله متن کتاب را چندین بار مطالعه و آن را ویراستاری کردند و همچنین خانم زهرا انصاری فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی که زحمت بازخوانی متن را متقبل شدند.

رسول افضلی

Rafzali @ ut.ac.ir

مقدمه

جدال صاحب‌نظران علوم انسانی بیشتر بر سر روش‌هاست. شاید همین مسئله دلیل فرو کاسته شدن علم و نظریه‌های آن به روش‌های علمی است؛ مسئله‌ای که گاهی مانع از رشد علم هم بوده است. جدال‌های روش‌شناسانه گاه به‌گونه‌ای است که رسالت اصلی علم فراموش می‌شود و اغلب دانشمندان مجال پرداختن به آن را نمی‌یابند.

با وجود این، اهمیت بحث روش‌شناسی محدود به تبیین این مسئله نیست. در جغرافیای سیاسی اهمیت روش‌شناسی ناشی از چند مسئله است: نخست وجود بحران مفاهیم و روش‌شناسی در آن. نبود اجماع نظر در تعریف مفاهیم و روش‌های شناخت پدیده‌های مطالعاتی این شاخه از علم، مانع از استقرار و تثبیت معیارهای دقیق ارزیابی عیار علم شده است؛ به‌گونه‌ای که یک قضیه علمی هم‌زمان هم درست است و هم غلط. این معضل، اهداف راهبردی این علم را منحرف ساخته و مانعی جدی در پیشبرد اهداف آموزشی و پژوهشی است.

مسئله دوم، اهمیت طبقه‌بندی علوم جغرافیایی و تبیین جایگاه جغرافیای سیاسی در آن‌هاست. روش‌شناسی شاخه‌ای از علم است که میزان اعتبار و بی‌اعتباری قضایای یک علم را تعیین می‌کند؛ بنابراین طبقه‌بندی علوم هم از علایق روش‌شناسی بیگانه نیست و آن را در آیین خود منعکس می‌کند. طبقه‌بندی کلاسیک جغرافیا به دو شاخه انسانی و طبیعی، ناظر بر رویکردهای روش‌شناختی آنها در شناخت پدیده‌ها هم هست (برای مطالعه بیشتر، ر. ک. پیشگاهی‌فرد، ۱۳۸۳). جغرافیای انسانی چون انسان را در مرکز شناخت خود دارد، از لحاظ روش‌شناسی با جغرافیای طبیعی متمایز است. شناخت مکاتب روش‌شناسی و تعیین قدر و منزلت هر کدام از آنها در مطالعه محیط انسانی مهم است. در جغرافیای سیاسی که موضوع قدرت سیاسی مطرح است، روش‌شناسی هم وضعیت پیچیده‌تری می‌یابد. قدرت پدیده پیچیده‌ای است که تنها با تأکید بر عینیات نمی‌توان آن را شناخت. مسئله مهم در روش‌شناسی جغرافیای سیاسی، روشن شدن نسبت عین و ذهن در مطالعه پدیده‌هاست. معنادار بودن کنش‌های انسانی و پوشیده شدن واقعیت در لایه‌های مختلف معنایی در همه پدیده‌ها و مقوله‌های مطالعاتی این رشته یکسان نیست. مهارت محقق در چگونگی حرکت بین آنچه که «فوکو» سبکی و سنگینی کردن واقعیت در حیات سیاسی-اجتماعی می‌نامد، بستگی تامی با تبحر وی در مباحث روش‌شناسی دارد.

مسئله سوم، تمایز مطالعات روش‌شناسی در علم جغرافیا با بقیه علوم انسانی است. اختلاف‌نظرها و بعضاً جدل‌های روش‌شناسانه جغرافیدانان با بقیه صاحب‌نظران علوم انسانی اغلب مربوط به تفاوت آنها

از طبقه‌بندی رویکردها و مکاتب روش‌شناسی است. در جغرافیا، مکاتب روش‌شناسی دو دسته‌اند: رئالیسم (واقع‌گرایی) و ایدئالیسم (آرمان‌گرایی). این در حالی است که در باقی علوم انسانی رویکرد عمیق‌تری نسبت به روش‌شناسی حاکم است. فرو کاسته نشدن علم به مشاهده و بها دادن به پدیده‌های غیر مشاهداتی، رویکردهای روش‌شناختی این علوم را متمایز کرده است. در علوم انسانی رئالیسم و ایدئالیسم مکاتب روش‌شناسی نیستند بلکه مکاتب نظری هستند و هر دو شاید به لحاظ روشی غیر مشاهداتی باشند.

جغرافیای سیاسی به دلیل ماهیت بین‌رشته‌ای خود نتوانسته است پیوسته در قالب رویکردهای روش‌شناسانه خاص جغرافیا رشد کند. این شاخه جغرافیا در تمام دورهٔ تکامل خود مجبور به فراتر رفتن از طبقه‌بندی رایج رئالیسم و ایدئالیسم بوده و خواسته و ناخواسته به دامن سایر مکاتب روش‌شناسی پناه برده است. شناخت این مکاتب، رشد و توسعهٔ این شاخه از علم را آگاهانه‌تر می‌سازد. این سه مسئله در پیوند با هم ضرورت توجه به روش‌شناسی را در جغرافیای سیاسی بیشتر می‌سازد. بر همین اساس، این کتاب سه هدف اصلی را دنبال می‌کند. نخست تبیین جایگاه شناخت‌شناسی و روش‌شناسی در مطالعهٔ موضوعات جغرافیای سیاسی. نگاه فلسفی این کتاب به این بحث، برون منطقی (نگاه از بیرون) است. به عبارتی مؤلف خود را بیرون از موضوعات جغرافیای سیاسی قرار داده و به آنها نگاه می‌کند. اینکه این موضوعات به لحاظ هستی‌شناسی چه ماهیتی دارند؟ آیا همهٔ پدیده‌هایی که در این رشته مطالعه می‌شوند عینی هستند یا ذهنی؟ این پدیده‌ها را چگونه باید شناخت و از چه مکاتبی باید سود جست؟ مهم‌ترین مسائل مطرح برای دنبال کردن این هدف هستند که در بخش اول کتاب به آنها پاسخ داده می‌شود. این واکاوی علمی البته رویکردی تاریخی یا پیشینه‌شناسی ندارد بلکه معطوف به مباحث فلسفهٔ علم است.

هدف دوم، معرفی مکاتب روش‌شناسی فرائضاتی کاربردی در جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک است. این مکاتب خاص هیچ شاخه‌ای از علم نیستند، بلکه عرصه‌ای مستقل محسوب می‌شوند که علوم انسانی به فراخور جایگاه شناخت‌معنایشان آنها را بومی‌سازی می‌کند. استفاده نشدن این مکاتب در جغرافیای سیاسی دلیل منطقی بر بیگانه بودن این رشته با این حوزه از مباحث روش‌شناسی نیست، بلکه بیشتر نشانگر حاکمیت یک روش خاص طی سال‌های گذشته بر آن است. معرفی این روش‌ها به مفهوم انکار یا رد کاربرد روش‌های اثبات‌گرایی در این رشته نیست، چرا که اثبات‌گرایی با ظرفیت فایده‌گرایی خود در عرصهٔ این علم، تحولات خارق‌العاده‌ای ایجاد کرده است (برای مطالعهٔ بیشتر، ر. ک. حافظ‌نیا، ۱۳۸۸). آشنایی دانشجویان و پژوهشگران این علم با همهٔ مکاتب روش‌شناسی (اثبات‌گرا و فرائضاتی) فهم و درک آنها را از موضوعات، عمیق‌تر و ابزار تحقیق آنها را در شناخت مسائل، متکامل‌تر می‌کند.

هدف سوم، چگونگی کاربرد این مکاتب روش‌شناسی در جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک است. بومی‌سازی این روش‌ها در جغرافیای سیاسی یا ژئوپلیتیک دامنه‌ی عرضی رشته را بیشتر می‌کند و از طریق پیوند زدن آن با سایر رشته‌های همجوار سبب عمیق‌تر شدن آن می‌شود.

مطالب کتاب در دو بخش و چهارفصل تنظیم شده‌اند. بخش اول با عنوان شناخت‌شناسی در جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک به موضوع فلسفه‌ی علم در جغرافیای سیاسی می‌پردازد. فلسفه‌ی علم خود شامل سه بخش هستی‌شناسی، شناخت‌شناسی و روش‌شناسی است. در این بخش ماهیت پدیده‌های مطالعاتی در جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک و چگونگی شناخت آنها مطالعه می‌شوند. در اینجا بحث خواهیم کرد که برخی از معضلات اصلی آموزش و پژوهش در جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک، ریشه‌های آنتولوژیک^۱ و اپیستمولوژیک^۲ دارند. اینکه چگونه بخش عمده‌ای از موضوعات این رشته، پدیده‌های معنادار هستند و کشف معنا بدون اتکا به روش‌های غیر مشاهداتی امکان‌پذیر نیست، هسته‌ی اصلی بحث را در این بخش تشکیل می‌دهد.

بخش دوم با عنوان روش‌های فرآینباتی در جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک خود به چهارفصل تقسیم می‌شود. این چهارفصل به مکاتب روش‌شناسی فرآینباتی اختصاص دارند. فصل اول با عنوان روش دیرینه‌شناسی با معرفی آن، قابلیت کاربرد آن را در جغرافیای سیاسی با مثال نشان می‌دهد. فصل دوم، روش‌های هرمنوتیکی، فصل سوم، روش‌های ساختارگرا و پساساختارگرا و فصل چهارم روش‌های گفتمانی و زبانی نام دارند. در هر یک از این فصل‌ها با معرفی روش‌ها، تئوری‌ها و صاحب‌نظران، کاربرد آنها به تفصیل در جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک بررسی می‌شود.

امید است این کتاب سازنده و مؤثر باشد. علاقه‌من به روش‌های فرآینباتی فراتر از خلأهای موجود در رشته جغرافیای سیاسی یا تنها تلاش برای نگارش یک کتاب آموزشی است. این علاقه و تلاش طولانی‌مدت از دوران دانشجویی تا امروز برای درک و فهم بهتر این حوزه از علم، شاید حداقلی از کفایت علمی را برای نوشتن این کتاب آموزشی ایجاد کرده باشد، اما نقص‌ها و ضعف‌های آن زیادند. نقدها را می‌پذیرم و رفع آنها را مهم‌تر از نگارش خود کتاب می‌دانم.

۱. هستی‌شناسی

۲. شناخت‌شناسی